

# «چپ» و زمینه پیدائی آن در افغانستان

لطیف پدram

به هیچ وجه منظور ما نوشتن تاریخ جنبش «چپ» که علی الاطلاق حرکت های مارکسیستی - لنینیستی و «مائوتسه دون اندیشه» (اندیشه های مائوتسه دون) را افاده میدارد نیست. دست زدن به چنین نوشتار، به معنای «تحریر» تاریخ جنبش کمونیستی افغانستان است. طبعاً و به همین دلیل، تأمل عمیق و فرصت بسیار می طلبد. در نتیجه، آنچه در اختیار قرار داده می شود، اشاره های اجمالی و قطعاً فشرده در این باب است.

از دهه ۵۰ و ۶۰ نیمه دوم سده بیستم میلادی، گامهای نسبتاً قابل ملاحظه، در جهت رشد اقتصادی، سیاسی افغانستان برداشته شد. نخستین پلان های پنجساله که در دوران حکومت محمد داود و دکتر محمد یوسف تطبیق گردیدند ساختار اقتصادی و مناسبات تولیدی را به چالش های نوین فراخواندند. در زمینه های صنعتی و کشاورزی سرمایه گذاری های جدید صورت گرفت که طبعاً به رشد سرمایه داری دولتی و کلاً رشد نسبی بورژوازی منجر شد. سرمایه گذاری ها و برنامه ریزی در عرصه صنایع، حمل و نقل، کشاورزی و امور ساختمانی زمینه های رشد کمی و کیفی طبقه کارگر افغانستان را نیز اندکی فراهم کرد. در سال ۱۹۶۳ در پروژه های صنعتی، خانه سازی، راه سازی و حمل و نقل ۱۸۰ هزار کارگر مشغول کار بودند که سطح رشد قابل ملاحظه ای را نسبت به سال های قبل نشان می دهد. از جمله ۱۸۰ هزار تن کارگر، ۵۰ هزار نفر دارای تجربه، آگاهی و تخصص کاری بودند.

تحولات در این زمینه باعث به وجود آمدن نسل جدیدی از روشنفکران میهن ما گردید. حجاب اجباری برای زنان ممنوع اعلام شد. مؤسسات آموزشی منجمه دانشکده حقوق و علوم سیاسی به مرکز تجمع روشنفکران مبارز، عدالت طلب و آزادی خواه تبدیل شدند. در دهه پنجاه (۵۰) و اوایل دهه شصت (۶۰) آثار مارکسیستی هرچند اندک، به زبان فارسی به افغانستان از ایران می رسیدند و طبیعتاً بحث ها و آرمان های نوین مطرح می گردید. بحث های مارکسیستی - لنینیستی این سال ها به طور کلی در دفاع از شوروی و چین متمرکز می شدند. یکی دیگری را به پیروی از «سوسیال - امپریالیسم شوروی» و دیگری را به «ماجراجو» و آوانتوریست و «مائوئیست» متهم می کردند. اندیشه های ناشی از جنبش مشروطه خواهی، که از زمان امیر امان الله و محمد ولی خان بدخشی به میراث مانده بودند نیز هواخواهان و طرفدارانی داشتند. جنبش «جوانان مسلمان» خود یک جنبش قدرتمند به حساب می آمد و دارای تشکیلات علنی و زیرزمینی بود.

به هرانجام، ظاهر شاه در سال ۱۹۶۳ دکتر محمد یوسف را موظف ساخت حکومت جدید تشکیل بدهد. در شانزدهم ماه مارچ ۱۹۶۳ محمد یوسف خط مشی حکومت جدید را اعلام کرد. سیاست بی طرفی مثبت و فعال به عنوان اصل سیاست خارجی افغانستان و اصل اقتصاد رهبری شده دولتی به مثابه دو اصل برای سیاست خارجی و اقتصاد صراحت داده شدند. در سال ۱۹۶۴ این حکومت مسودده قانون اساسی افغانستان را آماده و تقدیم ظاهر شاه نمود. شاه در اول اکتبر سال ۱۹۶۴ قانون اساسی را توشیح کرد. اعلام حد اقل دموکراسی از طرف حکومت دکتر یوسف این امکان را مساعد ساخت که روشنفکران از وضعیت استفاده نموده احزاب، گروه ها و سازمان های خویش را ایجاد نمایند.

در سال ۱۹۶۳ برای نخستین بار شش تن از روشنفکران چپ، مارکسیست و ملی گرا کمیته تدارکی را برای ایجاد حزب سیاسی نوین تشکیل دادند. این کمیته متشکل بود از ببرک کارمل، میرغلام محمد غبار، میر اکبر خیبر،

نور محمد تره کی، علی محمد زهما و صدیق روحی. نیز محمد طاهر بدخشی یکی از با استعدادترین و با نفوذترین جوانان جنبش چپ به جمع «کمیتة تدارک» پیوست. به اثر مساعی کمیته تدارک در اول ژانویه سال ۱۹۶۵ کنگره مؤسس دائر شد و «حزب دموکراتیک خلق افغانستان» را بنیاد گذاشت.

«حزب دموکراتیک خلق افغانستان» به زودی به صورت حزب وابسته به شوروی، عامل بیگانه و غیرملی استحاله یافت. این وابستگی بدون قید و شرط به شوروی موجب آن شد که شخصیت های ملی و مبارزی مثل زنده یاد میرغلام محمد غبار واسطه خود را با آن کاملاً قطع کند. شماری از مبارزان چپ از همان آغاز رابطه ای با آن حزب نداشتند. شماری به زودی از این حزب بریدند و راه مستقل خود را پیش گرفتند. عده ای گروه ها و احزاب مستقل خود را ایجاد کردند. جوانانی که با رویکرد به انقلاب چین و اندیشه های مائوتسه دون (صدر مائو) وارد مبارزه شده بودند «حزب دموکراتیک نوین» را تشکیل دادند. این جریان نشریه ای به نام «شعله» جاوید، منتشر می نمود که بر همان اساس «شعله ای ها» معروف شدند. این جریان طرفدار مبارزه توده ای طولانی و محاصره شهرها از طریق دهات بود.

دو سال بعد از تشکیل کنگره مؤسس، «حزب دموکراتیک خلق» به دو شاخه «خلق» و «پرچمی» منشعب شد (۱۹۶۷). جناحی که جریده «خلق» (ارگان نشراتی همان حزب) را منتشر می کرد به «خلق» معروف شدند. جناحی که جریده «پرچم» را منتشر می کرد «پرچمی ها» خوانده شدند. البته شکی نیست که هر دو جناح نوکر سرسپرده شوروی بودند و استقلال عمل نداشتند. اختلاف و انشعاب آن ها دلیل اصولی نداشت. مخالفت ها برخاسته از اختلاف سلیقه و خودخواهی ببرک کارمل و تره کی بر سر غصب رهبری حزب بود و جلب «محبت» های شوروی.

به هر حال، به علت سلطه سیاست های شووینیستی بر حزب دموکراتیک خلق و تعمیق شدن هرچه بیشتر وابستگی، نیز گسترش سیاست های ضد ملی و به ویژه فارسی زدائی، محمد طاهر بدخشی در سال ۱۹۶۸ از حزب دموکراتیک افغانستان انشعاب کرد و «سازمان انقلابی زحمتکشان افغانستان» (سازا) را بنیاد گذارد. «سازا» یک سازمان مارکسیست - لنینیست و مستقل بود و به طور کلی حزب کمونیست چین را برحزب کمونیست شوروی ترجیح می داد بی آنکه مثل «شعله جاوید» در دفاع از چین کمونیست مبالغه کند. «سازا» سیاستی مطرح کرد به نام «سیاست هوسمن - کاسترو». معنای این سیاست این بود: مثل ویتنام در برخورد با چین و شوروی می باید مستقل ماند و هر دو سیستم را نقد کرد. اتکاء به مردم محور اساسی هر عمل سیاسی ست، اما الزام ندارد حتماً از طریق «جنگ توده ای طولانی» انقلاب به پیروزی برسد. کانون های چریکی مثل مدل انقلاب کوبا می توانند با استفاده از موقعیت کوهستانی افغانستان جنگ های چریکی را آغاز نمایند. این سازمان از این جهت، شیفتگی و تمایل عظیم و رمانتیک به چه گوارا و شیوه های مبارزاتی او داشت. این سازمان با جبهه خلق برای آزادی فلسطین (به رهبری جرج حبش) روابط نزدیک داشت. این سازمان سعی کرد با نیروهای چپ ایران [مانند] سازمان چریک های فدائی خلق ایران و پیکار و وحدت کمونیستی، رابطه های کاری - منطوقی برای آموزش نظامی و تیوریک کادرهای خویش فراهم کند، اما با شروع سرکوب این سازمان ها بعد از پیروزی انقلاب ایران به وسیله رژیم جمهوری اسلامی و قتل عام کادرها و رهبران برجسته خود «سازا» در افغانستان، روابط نتوانست از حد تماس های محدود شماری از کادرهای مهاجر این سازمان در ایران فراتر رشد کند. سازمان «سازا» بعد از کودتای «حزب دموکراتیک خلق» (وابسته به شوروی) در آوریل ۱۹۷۸ به صورت بیرحمانه ای سرکوب شد. چیزی حدود ۴ هزار تن از اعضا و هواداران آن به وسیله «کمونیست» های وابسته به شوروی به جوخه های اعدام

سپرده شدند. از دست رفتن بخش اعظم کادرهای حرفه ای و درجه ای یک این سازمان موجب آن شد که عده ای از کادرهای جوان انشعاب کنند. از این انشعاب «سازمان فدائی زحمتکشان افغانستان» (سفزا) به وجود آمد که باز معتقد به مشی مبارزه مسلحانه بود. «سفزا» در نخستین روزهای کودتای روسی در افغانستان در چند ولایت مهم شمال و شمال شرق افغانستان علیه رژیم وابسته به شوروی کابل دست به نبردهای مسلحانه زد. در این نبردها شماری از مهم ترین پادگان های نظامی رژیم را به کنترل خود درآوردند و چند شهر را آزاد کردند. شرایط جنگ سرد و استقلال عمل این چریک ها موجب آن شد که هم نیروهای اخوان المسلمین آن ها را در کوهستان ها مورد پیگرد قرار دهند و هم عوامل رژیم کمونیستی. در نتیجه، آن جنبش مسلحانه به شکست مواجه شد و بار دیگر کادر نظامی سازمان (سفزا) و شمار زیادی از رهبران سیاسی آن یا در زندان های رژیم «خلق» ها یا در میدان های نبرد مسلحانه در جنگ های رو در روی به قتل رسیدند.

«حزب دموکراتیک خلق» گرفتار انشعاب های دیگری هم شد. در سال ۱۹۸۸ چند تن از اعضای برجسته حزب خلق (غلام دستگیر پنجشیری، شرعی جوزجانی و شهر الله شهپر) انشعاب کردند و گروهی تشکیل دادند به نام «خلق کارگر». عده ای دیگر، عمدتاً از کادرهای جوان دیگری از «حزب دموکراتیک خلق» باز انشعاب نمودند و گروه هایی به نام های «جمعیت انقلابی زحمتکشان افغانستان» (کجا) و «گروه کار» ایجاد کردند. این سه گروه منشعب از حزب دموکراتیک خلق با خود و با «حزب مادر»!! اختلافات جدی نداشته و همه آم ها آخر کار به حزب کمونیست شوروی و KGB وصل می شدند.

«حزب دموکراتیک نوین» یا همان «شعله جاوید» نیز گرفتار چندین انشعاب جدی گردید. در نتیجه «گروه انقلابی خلق های افغانستان» (به رهبری دکتر فیض) [تشکیل] گردید و «سازمان آزادی بخش مردم افغانستان (ساما)» به وجود آمد. گروه های دیگری هم به نام «اخگر» (طرفدار خط انور خوجه) تشکیل گردیدند که در واقع از بدنه «شعله جاوید» جدا شده بودند. به روی هم رفته شاخه های مختلف «شعله جاوید»، «سازا»، «سفزا» و اخگر قرابت ها و شباهت هایی به هم داشتند. همه آن ها نیز همزمان با کودتای روسی مورد حمله و کشتار شوروی ها و عوامل داخلی آن ها قرار گرفتند. در میان گروه های منشعب از شعله جاوید، «ساما» به رهبری مجید کلکانی یکی از بنیانگذاران برجسته جنگ های چریکی شهری، خوشنام ترین، مستقل ترین و مبارزترین آن ها بود. دریغ که مجید کلکانی هم مثل محمد طاهر بدخشی دانشمند، ادیب و مبارز برجسته جنبش چپ افغانستان به دست «حزب دموکراتیک خلق افغانستان» و با نظارت مستقیم مشاوران امنیتی - سیاسی شوروی در کابل اعدام گردید.

---

\* لطیف پدram، شاعر و سخنگوی کنگره ملی افغانستان.